

بررسی تاریخی و باستان‌شناختی قلعه کهنه‌ی کرمانشاه

محمدابراهیم زارعی^۱، مریم دهقان^{II}

شناسه‌ی دیجیتال (DOI): 10.22084/nbsh.2019.16429.1753
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۰۴
(از ص ۲۰۹ تا ۲۲۵)

چکیده

شهر کرمانشاه یکی از مراکز جمعیتی غرب ایران است، این شهر در حاشیه‌ی مرزهای طبیعی فلات ایران و بر روی یکی از بزرگ‌ترین دشت‌های زاگرس مرکزی شکل گرفته و از دوره‌ی پارینه‌سنگی تا به امروز مورد توجه جوامع انسانی بوده است. موقعیت جغرافیایی و قرارگیری در مرزهای طبیعی و سیاسی سبب اهمیت نظامی منطقه شده است. این موضوع از عصر صفوی و در پی چالش‌های ایران و عثمانی، افزایش و با تثبیت مرزهای غربی، تا امروز ادامه یافته است. مدارک تاریخی نشان می‌دهد که در عصر افشاریه قلعه‌ی وسیعی در این منطقه تأسیس و کرمانشاه به یکی از مراکز نظامی نادرشاه تبدیل شد. این قلعه که پس از شکل‌گیری شهر جدید در اواخر زندیه و توسعه‌ی آن در عصر قاجار، با نام «قلعه کهنه» از آن یاد می‌شود، در دشت ساخته شده و از نقشه‌ی موسوم به «ستاره‌ای» در طراحی و ساخت آن استفاده شده است؛ این نقشه با نمونه‌های اروپایی قابل مقایسه است. قلعه کهنه در زمان تشکیل حکومت زندیه تخریب شده و پس از آن، در پی تغییرات بستر رودخانه‌ی قره‌سو و گسترش فضای شهری کاملاً از بین رفته است. مسأله‌ی اصلی این نوشتار بررسی این اثر با تکیه بر مدارک و شواهد موجود است. این بررسی برای دستیابی به ویژگی‌های معماری نظامی در دوره‌ی افشاریه انجام شده و ضرورت آن با توجه به اطلاعات محدودی که از این دوره در اختیار داریم، مشخص می‌شود. بر این اساس پرسش‌هایی پیرامون علل ساخت قلعه از سوی نادرشاه؛ ساختار معماری به‌ویژه نقشه‌ی آن و کارکرد تسلیحاتی و مسکونی قلعه مطرح می‌شود و فرضیاتی مبتنی بر کارکرد تسلیحاتی قلعه و تداوم ظهور عناصر معماری غربی از عصر صفوی به بعد ارائه می‌گردد. این پژوهش به روش توصیفی-تاریخی تحلیلی انجام شده است و ضمن مطالعه‌ی متون و مدارک عصر افشاریه و زندیه، تصاویر هوایی و داده‌های حاصل از کشفیات اتفاقی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

کلیدواژگان: قلعه کهنه، کرمانشاه، افشاریه، قلعه‌ی ستاره‌ای.

I. استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا
(نویسنده‌ی مسئول).
mohamadezareei@yahoo.com
I. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه
بوعلی سینا.

مقدمه

دشت کرمانشاه به دلیل موقعیت جغرافیایی و شرایط زیست‌محیطی از پیش از تاریخ تا امروز مورد توجه جوامع انسانی بوده و جایگاه راهبردی آن در مرزهای طبیعی فلات ایران پس از تشکیل حکومت ملی صفوی و گسترش منازعات در مرزهای غربی، ارتقا یافته است. با وجودی که مرزهای امروز ایران در قرون ۱۹ و ۲۰ م. و در پی سیاست‌های روسیه و انگلیس شکل گرفته؛ اما موقعیت جغرافیایی کرمانشاه، قرارگیری بر سر راه‌ها و شاهراه‌ها و مسافت نسبتاً یکسانی که از شهرهای مهمی چون: بغداد، تبریز، تهران و اصفهان داشته، اهمیت نظامی این شهر، رویدادهای تاریخی منطقه و تداوم تاریخی آن را رقم زده است (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱: ۷۰۸؛ آوری، ۱۳۷۰: ۳۱). جایگاه راهبردی منطقه پس از معاهده‌ی ذهاب^۱ تثبیت شده و این شهر در طول دوران صفوی تا امروز، یکی از ایمن‌ترین مراکز جمعیتی مرزی در منطقه محسوب می‌شود^۲. همین موضوع سبب شده که در عصر کوتاه افشاریه و با هدف تأمین تجهیزات جبهه‌ی غربی، قلعه‌ی وسیعی در دشت کرمانشاه تأسیس شود. این قلعه با وسعتی بیش از ۵۰ هکتار در شمال غرب شهر و در حاشیه‌ی جنوبی رود قره‌سو ساخته شده است و با وجود عمر کوتاه و ویرانی کامل، به‌عنوان یکی از آثار معماری عصر افشاریه، به دلیل وسعت و نوع نقشه قابل توجه است.

اهداف و ضرورت پژوهش: هدف اصلی پژوهش پیش‌رو این است که با تکیه بر مدارک و شواهد موجود به چگونگی و علل ساخت قلعه‌کهنه پرداخته و اطلاعات اندکی که پیرامون معماری نظامی عصر افشاریه وجود دارد را افزایش دهد. ضرورت این امر با توجه به ویرانی قلعه و گسترش روزافزون فضای شهری و کمبود داده‌های تاریخی و باستان‌شناختی دوره‌ی افشاریه مشخص است.

پرسش‌ها و فرضیات پژوهش: پرسش‌های اصلی پژوهش عبارتند از: آیا قلعه‌کهنه یک قلعه‌ی نظامی و مرکز تولید و تأمین تسلیحات نظامی بوده است؟ و پرسش دوم این‌که، آیا ساختار معماری قلعه، به‌ویژه نقشه‌ی آن که با نمونه‌های اروپایی قابل مقایسه است، کارکرد آن را توجیه می‌کند؟ پاسخ این پرسش‌ها به‌صورت فرضیاتی مبتنی بر تأیید کارکرد تسلیحاتی و تداوم ظهور عناصر معماری غربی از عصر صفوی به بعد مطرح می‌شود. براین اساس و با توجه به متون تاریخی و مدارک باستان‌شناختی، قلعه‌کهنه توپخانه‌ی جبهه‌ی غرب ایران در دوره‌ی افشاریه و مهم‌ترین کارکرد آن تسلیحاتی-دفاعی بوده است و ساختار معماری آن با قلعه‌هایی چون: قلعه‌ی اهر، قلعه‌ی اردبیل و قلعه‌ی‌های سنت جورج^۴ و چاول^۵ در هندوستان قابل مقایسه است.

روش پژوهش: روش تحقیق در این نوشتار توصیفی-تاریخی تحلیلی است و متون و مدارک عصر افشاریه و اوایل زندیه، تصاویر هوایی و داده‌های حاصل از کشفیات اتفاقی را مورد توجه و استناد قرار می‌دهد. این داده‌ها که در پی ساخت و ساز و پی‌کنی در فضای داخلی قلعه کشف شده‌اند، تنها داده‌های باستان‌شناختی فضای درونی قلعه به‌شمار می‌آیند.

پیشینه‌ی پژوهش

قلعه کهنه به دلیل تخریب زودهنگام و توسعه‌ی فضایی شهر کرمانشاه هیچ‌گاه به طور جدی شناسایی و بررسی نشده است. ارنست هرتسفلد در سال ۱۹۱۶ م. سرستونی از این محل یافته و اعضای هیأت باستان‌شناسی آلمان نیز در دهه‌ی ۶۰ م. و در مرکز قلعه، روی تپه‌ای در نزدیکی ساحل قره‌سو، شال ستونی یافته‌اند که با سرستون مذکور مطابقت دارد (لوشای، ۱۳۸۵: ۴۰۷). در سال ۱۹۳۵ م.، اریک فردریش اشمیت طی پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران و پیش از فرود در ماهیدشت، از این قلعه تصویری تهیه کرد که مورد توجه و لفرام کلایس قرار گرفت. وی در سال ۱۹۸۰ م. در مقاله‌ای که به معرفی استحکامات اروپایی ایران در سده‌های ۱۶ تا ۱۹ م. می‌پردازد؛ در کنار توجه ویژه‌ای که به قلعه‌ی پرتغالی‌ها در هرمز و قلعه‌ی هلندی‌ها در خارک داشته به قلعه کهنه و استحکامات خوی نیز اشاره نموده است. محمدعلی سلطانی نیز در پژوهشی که پیرامون ایلات و طوایف کرمانشاه انجام داده به ساخت قلعه و رخدادهای تاریخی مرتبط با آن پرداخته است (Kleiss, 1980: 167-187؛ سلطانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۱۹؛ اشمیت، ۱۳۷۶: شکل ۱۱۱).

شایان ذکر است که در کشف اتفاقی سال ۱۳۷۸ ه.ش. نیز، تعدادی اشیاء سنگی از فضای درونی قلعه کهنه به دست آمده است (دهقان، ۱۳۹۱: ۳۷۷-۳۵۴). علاوه بر مطالعات مذکور، ویسی قلعه گلینه و قنبری، ضمن بررسی نقش کرمانشاهان در تحولات سیاسی و نظامی دوره‌ی نادرشاه به چگونگی ساخت قلعه کهنه توسط افراد غیربومی پرداخته و از این موضوع به عنوان عامل مضاعفی در برانگیختن دشمنی میان ایلات کرمانشاه و ساکنان قلعه و تخریب آن پس از مرگ نادر یاد کرده‌اند (ویسی قلعه گلینه و قنبری، ۱۳۹۲: ۱۱۲-۱۱۱).

نظامی‌گری در دوره‌ی افشاریه

نبوغ نظامی نادر و ارتش بی‌مانند وی را بسیاری از مورخان و مستشرقان ستوده‌اند. ارتش نادر از حیث دلیری و سپاهی‌گری کم‌نظیر بوده و علل کامیابی نادر در فتوحات بزرگ و پردامنه‌ی وی، نظم و نبوغ این ارتش بوده است که تا زمان کریم‌خان زند و آغامحمدخان قاجار نیز، قدرت، رشادت و بی‌باکی خود را حفظ می‌کند (ذکاء، ۱۳۵۵: ۲۱۵). اشارات محدود متون تاریخی عصر افشاریه، به ویژه عالم‌آرای نادری نشان می‌دهد که سازمان ارتش ایران و ساختارهای وابسته به آن در این عصر به شیوه‌ی صفویان ادامه یافت و تنها اصلاحات محدودی در آن صورت گرفت (مروی، ۱۳۶۴: ۲۳-۲۲). در این دوره، ارتش ایران از چهار دسته‌ی نیروهای سواره، پیاده‌نظام، توپچیان و زنبورکچیان، و مهندسان، تشکیل می‌شد. نادرشاه، ارتش خود را که شامل: عساکر خراسانی (۶۵ هزار نفر)، عساکر عراقی (۴۵ هزار نفر)، عساکر فارس و خوزستان (۵۰ هزار نفر)، عساکر آذربایجان، گرجستان و کردستان (۶۰ هزار نفر)، عساکر همدان و کرمانشاه (۲۵ هزار نفر)، عساکر ماوراءالنهر و خوارزم (۶۰ هزار نفر)، عساکر غزنین، کابل، لاهور، کشمیر و هند (۷۰ هزار نفر) می‌شد، در پنج منطقه‌ی اردویی خراسان، قفقاز، کرمانشاهان، فارس و قندهار قرار داده و نیروی دریایی

ایران را نیز گسترش داد (شعبانی، ۱۳۶۹: ۲۸۰). در این میان، نقش پُرننگ اردوی کرمانشاهان در منازعات غرب ایران مشخص است.

موضوع برقراری روابط سیاسی و نظامی با کشورهای اروپایی به‌ویژه انگلستان، از زمان صفویان آغاز شده بود. شکست چالدران در پی نابرابری تسلیحاتی ایران و عثمانی یکی از عواملی بود که شاهان صفوی را به بهره‌مندی از دانش و تجربه‌ی اروپاییان در زمینه‌ی تولید سلاح‌های آتشین واداشت. نامه‌های شاه‌عباس به پادشاهان اروپایی و پاپ، و ساخت توپ‌های جنگی، تفنگ و ایجاد توپخانه و دسته‌های منظم تفنگچی به کمک برادران شرلی، آغاز روابط نظامی تسلیحاتی ایران و غرب بود که در عهد افشاریه ادامه یافت و پس از آن در دوره‌ی قاجاریه و به همت افرادی چون عباس میرزا و امیرکبیر به صورت جدی تری دنبال شد (مهمید، ۱۳۶۱: ۹۱).

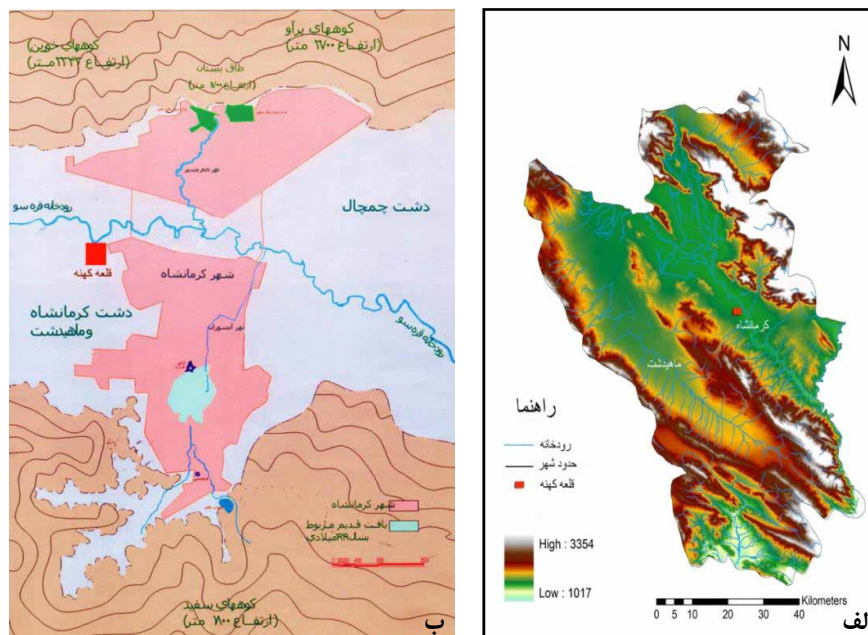
در دوره‌ی افشاریه، رسته‌ی توپچیان، اهمیت به‌سزایی یافت و بسته به موقعیت‌های نظامی و نوع نبرد، از توپ‌های بزرگ و کوچک یا زنبورک‌ها استفاده می‌کردند. توپ‌های سنگین و بزرگ در دشت‌های وسیع، توپ‌های سبک در غافلگیری‌ها و زنبورک‌ها را بر کوهان شتر گذارده و با آن‌ها تیراندازی می‌کردند. اشارات غیرمستقیم متون تاریخی نشان می‌دهد که نادرشاه افشار در رسته‌ی توپچیان و مهندسان از افسران اروپایی استفاده می‌کرده است (تهرانی، ۱۳۶۹: ۳۵۴). موضوع روابط سیاسی و نظامی ایران و اروپا و استفاده از مستشاران اروپایی در کنار حضور قدرتمند اروپاییان در جنوب ایران که از عصر صفوی تا دوره‌ی قاجار و پهلوی ادامه یافت، در معماری نظامی ایران و قلعه‌های بسیاری که با شیوه‌ی اروپایی ساخته شده‌اند، مشهود است.

موقعیت جغرافیایی قلعه کهنه

دشت کرمانشاه با وسعتی حدود ۷۸۲ کیلومتر مربع بین مختصات جغرافیایی ۴۵' و ۴۶° و ۵' و ۴۷° طول شرقی و ۲۳°، ۳۴° و ۳۵'، ۳۴° عرض شمالی، در محدوده‌ی زاگرس مرتفع (رورانده)، و در شمال غرب شهر کرمانشاه قرار گرفته است. ارتفاع متوسط این دشت از سطح دریا ۱۳۳۰ متر است و ارتفاعات پرآو-بیستون در شمال، و کوه سفید و خوره‌تاب در جنوب و جنوب شرقی آن قرار گرفته‌اند. رود قره‌سو، رودخانه‌ای دائمی است که از چشمه‌های روانسر در ۶۰ کیلومتری شمال غرب شهر سرچشمه می‌گیرد و در مسیر خود ضمن تلاقی با آبراهه‌های جنوب غرب کوه شاهو و آبراهه‌های شمال غرب حوضه، به صورت شمال غربی- جنوب شرقی امتداد می‌یابد، از مرکز شهر می‌گذرد، به گاماسیاب می‌پیوندد و از طریق آن به سیمره می‌ریزد (سازمان آب منطقه‌ای غرب، ۱۳۸۲: ۱؛ برومندسرخابی، ۱۳۸۸: ۲۹).

قلعه کهنه در موقعیت ۴۷°، ۵' و ۴۷° طول شرقی و ۲۲°، ۳۴° عرض شمالی در حاشیه‌ی رود قره‌سو، در ارتفاع ۱۳۰۶ متری از سطح دریا و در دشت کرمانشاه قرار گرفته است. شاهراه خراسان- بغداد از جنوب قلعه می‌گذرد و در سمت شمال غرب و غرب نیز مسیرهایی وجود دارد که بی‌هیچ مانع طبیعی قابل توجهی به کامیاران و جوانرود

► تصویر ۱. الف: موقعیت قلعه‌کهنه در دشت کرمانشاه (نقشه‌ی رقومی برگرفته از نقشه‌ی سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۸۰)؛ ب: موقعیت قلعه‌کهنه نسبت به بافت جدید و قدیم کرمانشاه (برومندسرخابی، ۱۳۸۸: ۲۲).



و پناه منتهی می‌شوند. به نظر می‌رسد که در مکان‌گزینی قلعه، نزدیکی به رود قره‌سو به‌عنوان منبع آب و قرارگیری در سطح دشت به‌منظور دسترسی به تولیدات کشاورزی نیز لحاظ شده است. شواهدی از عصر نادرشاه مبنی بر پیش‌بینی زراعت در فضای درونی قلعه‌ها وجود دارد تا در صورت محاصره، مدافعان قلعه نیازمند آب و نان نباشند (نوایی، ۱۳۶۸: ۴۹۰)، (تصویر ۱). این موضوع در قلعه‌کهنه نیز با توجه به وسعت آن و قرارگیری در دشت پرآب و حاصلخیز کرمانشاه قابل‌ملاحظه است. بستر رود قره‌سو به‌دلیل نوع رسوبات آن ناپایدار بوده و تغییرات الگوی آن به‌صورت توسعه‌ی پیچان‌رودها دیده می‌شود. این تغییرات در رودهایی با ویژگی‌های قره‌سو، در زمان کوتاه‌تری اتفاق می‌افتد (یمانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۹). نشانه‌های این تغییر در شمال و شمال‌شرق قلعه کاملاً مشهود است و رود قره‌سو یکی از اضلاع قلعه را تشکیل داده است (تصاویر ۲، ۳ و ۴). در مورد موقعیت جغرافیایی قلعه و با توجه به امنیت نسبی شهر کرمانشاه در قیاس با شهرهای غربی‌تر و ساختار توپوگرافی منطقه، می‌توان گفت که این قلعه با وجود قرارگیری در سطح دشت، به‌دلیل قدرت توپخانه‌ی نادری به‌آسانی قابل‌دفاع بوده است. در گزینش محل ساخت آن، سهولت دسترسی به مسیرها و مراکز جمعیتی بیش از جنبه‌های حفاظتی و کنترل عبور و مرور مدنظر بوده و با وجود قره‌سو به‌تأسیسات آبرسانی پیچیده‌ای نیاز نداشته است و حجم زیاد مصالح مورد نیاز آن با توجه به ضخامت بالای آبرفت‌های کواترنر دشت ناودیسی کرمانشاه به‌آسانی فراهم می‌شده است.

قلعه‌کهنه در مدارک مکتوب

منابع تاریخی و متون قرون نخستین اسلامی از «کرمانشاهان» با نام «قرمیسین» یاد



تصویر ۲. تصویر هوایی قلعه‌کهنه در سال ۱۹۳۵ م. (اشمیت، ۱۳۷۶: شکل ۱۱۱). ◀



▲ تصویر ۳. تصویر ماهواره‌ای کرونا از قلعه‌کهنه در سال ۱۹۶۹ م. (corona.cast.uark.edu).



تصویر ۴. تصویر هوایی قلعه‌کهنه در سال ۲۰۱۵ م. (https://earth.google.com). ◀

می‌کنند. این شهر پیش از قرن ۴ ه.ق. در سایه‌ی استان «شاذفیروز» به مرکزیت «حلوان» قرار داشته و شهرهای بزرگی چون: نهاوند، دینور، همدان و شهرزور، اهمیتی بیش از آن داشته‌اند (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۱۸؛ ابن رسته، ۱۳۶۵: ۱۹۵-۱۹۳). در قرن ۴ ه.ق. و براساس گزارش مقدسی و ابن حوقل، روند رشد و توسعه‌ی آن آغاز می‌شود

و مقارن حکمرانی سلیمان‌شاه سلجوقی در قرن ۶ هـ.ق.، مرکزیت می‌یابد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۸۸-۱۷۱؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۱۲-۱۰۵). مدارک مکتوب قرون ۷ تا ۹ هـ.ق. نیز به کرات از این شهر یاد می‌کنند (گردیزی، ۱۳۴۷: ۷۲؛ ابن اثیر، ۱۳۶۵: ۲۰۹؛ مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۰۸؛ خوافی، ۱۳۷۸: ۱۹۱). اما به طور کلی و با توجه به پیشینه‌ی شهر در پیش از اسلام، به نظر می‌رسد که با ورود اسلام، شهر کرمانشاه سیر نزولی را طی کرده و این روند تا عصر صفویه ادامه می‌یابد.

در عصر صفویه و پیش از به قدرت رسیدن شاه عباس، کرمانشاه و نواحی غربی آن جولانگاه نبردهای ایران و عثمانی بود. شاه عباس در سال ۹۹۹ هـ.ق. طی قراردادی نواحی غربی از جمله کرمانشاه را به دولت عثمانی واگذار نمود و این موضوع تا سال ۱۰۲۱ هـ.ق. که اقداماتی برای استرداد آن انجام داد، ادامه داشت. نفوذ و ارتقاء خاندان زنگنه که از همین زمان آغاز شد^۷ پس از مرگ شاه عباس افزایش یافت و به موازات ضعف صفویه، رشد و پیشرفت کرمانشاه تسریع شد؛ هرچند پس از مرگ شاه عباس، دولت عثمانی نواحی غربی و کرمانشاه را به محل منازعات بدل کرد، اما انعقاد معاهده‌ی ذهاب در سال ۱۰۴۶ هـ.ق.، سرآغاز آبادانی کرمانشاه بود و قدرت روزافزون خاندان زنگنه، مقدمات جدایی اداری و نظامی کرمانشاه از قلمرو علیشکرو ترقی شهر را فراهم ساخت (منجم، ۱۳۶۶: ۲۴۷؛ واله، ۱۳۷۲: ۲۸۲؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۲: ۲۰۹).

پس از حکومت مذهبی صفویان و یورش افغان‌ها، مرزهای غربی نیز دستخوش تغییر شده و اشرف افغان در ازای تأیید حکمرانی‌اش از سوی عثمانی‌ها، طی قراردادی بسیاری از نواحی غرب و شمال غرب را به ایشان واگذار نمود (لکه‌هارت، ۱۳۴۳: ۳۳۶).

با ظهور حکومت نظامی نادرشاه و تلاش‌های وی در تثبیت مرزهای ایران، کرمانشاه اهمیت تازه‌ای یافت و در ردیف پایگاه‌های نظامی نادرشاه قرار گرفت. عواملی چون موقعیت جغرافیایی و حضور ایلات و طوایفی که قادر بودند مانند گذشته در امور نظامی مشارکت کنند در کنار ویژگی‌های زیست‌محیطی و غنای منابع طبیعی و تولیدات کشاورزی سبب شد که کرمانشاه به مرکز مدیریت روابط و جنگ‌های غرب ایران مبدل شده و با تأسیس قلعه‌کهنه نقش مؤثری در تجهیز نیروهای نظامی، به‌ویژه طی لشکرکشی نادر به بغداد در سال‌های ۱۱۴۴، ۱۱۴۸ و ۱۱۵۶ هـ.ق. ایفا نماید. کوتاهی عصر افشاریه و شدت تنش‌ها و چالش‌های حکومتی سبب شده که مدارک و متون تاریخی معدودی از این عصر برجای مانده باشد؛ از این میان دو اثر معروف جهانگشای نادری و عالم‌آرای نادری به ساخت قلعه‌کهنه اشاره نموده‌اند. استرآبادی منشی و وقایع‌نگار نادرشاه که بیشتر اوقات خود را با وی سپری کرده به ساخت قلعه‌کهنه در زمان تسخیر کرمانشاه در سال ۱۱۴۲ هـ.ق. اشاره کرده است^۸، حال آن‌که محمد کاظم مروی از ساخت قلعه در ۱۱۵۶ هـ.ق. گزارش می‌دهد^۹ (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۱۲۲؛ مروی، ۱۳۶۴، ج ۳: ۸۸۷). با توجه به این‌که طی واگذاری مجدد شهر به عثمانی پس از عقد قرارداد صلح میان شاه تهماسب و حاکم بغداد در سال ۱۱۴۳ هـ.ق. و پس از بازپس‌گیری همیشگی شهر در ۱۱۴۴ هـ.ق. هیچ

اشاره‌ای به قلعه‌ی کرمانشاه نشده و استرآبادی خود به ساخت برج‌های مستحکم قلعه‌ی ذهاب و ساماندهی آن اشاره می‌کند و پس از شکست سال ۱۱۴۶ هـ.ق. نیز، نیروهای نادر در همدان تجهیز می‌شوند و دستور انتقال توپخانه‌ی قلعه‌ی کرمانشاه به ذهاب در سال ۱۱۵۶ هـ.ق. صادر شده است؛ از این رو محتمل است که ساخت قلعه در سال ۱۱۴۲ هـ.ق. آغاز شده، اما به انجام نرسیده و اتمام آن در ۱۱۵۶ هـ.ق. بوده است (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۱۲۲، ۲۷۴، ۲۵۳، ۴۸۸؛ مروی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۲۹۳-۲۹۲ و ج ۳: ۸۸۷؛ ادیب‌برومند، ۱۳۵۷: ۴۳-۴۲). مدارک تصویری این عصر شامل ۱۳ نگاره‌ی جهاننگشای نادری است که به‌دستور میرزا مهدی خان استرآبادی مصور شده و در برخی از نگاره‌های آن نمونه‌هایی از برج و باروهای این عصر تصویر شده است، اما قابل قیاس با استحکامات قلعه‌کهنه نیست (تصاویر ۵ و ۶).

علاوه‌بر منابع مذکور، در منظومه‌ی تاریخی جنگنامه‌ی نادر که الماس‌خان کندوله‌ای، سردار سپاه نادر، سروده است؛ وقایع این عصر، به‌ویژه نبردهای نادر و عثمانی از زبان قلعه‌خرابه‌ای در کرمانشاه نقل می‌شود. الماس‌خان هنگام گردش در صحرا، قلعه‌ی بارزشی را می‌بیند که بازمانده‌ی پادگان نظامی است. دروازه‌ی قلعه شکسته، دیوارهایش ترک‌خورده و خاک و خاشاک، خندق‌های آن را پُر کرده است. منظومه‌ی جنگنامه‌ی نادر شرح سؤالات الماس‌خان از این قلعه است. قلعه‌ی سهمناکی که به‌عنوان منزل کیانیان و سرحد سلاطین معرفی می‌شود و از ویرانی خود با آتش توپخانه توسط محمدخان زند شکایت می‌کند (کندوله‌ای، ۱۳۹۶: ۵۴۱-۵۳۹). داستان ساخت قلعه نیز از زبان خودش نقل می‌شود؛ براین‌اساس قلعه در صحرای همواری و برای پشتیبانی سرحدات، توسط اهالی لرستان، کرمانشاه و کردستان ساخته می‌شود. برج و بارو در طول سه ماه به پایان می‌رسد و پس از آن نجارها، چنارهای بلند را قطع می‌کنند و قصر سرداران را می‌سازند و سرب، باروت، طناب، پیکان، شمع، قیر، نفت و... در آن انبار می‌کنند. آن‌طور که الماس‌خان از زبان قلعه سروده، این قلعه در مرز قلمرو ایران و عثمانی قرار داشته و به‌جز در زمان جنگ، تفرجگاهی مانند سرچشمه‌ی تاق‌بستان و محل برپایی مجالس رقص و شادی و عرصه‌ی بازی چوگان بوده است (کندوله‌ای، ۱۳۹۶: ۴۷۴-۴۷۱). توصیفات الماس‌خان و آنچه قلعه در مورد ساخت و ویرانی خود بیان می‌کند، بی‌شباهت به داستان قلعه‌کهنه نیست.

قلعه‌کهنه در حوادث پس از نادرشاه به پایگاه مخالفان غیربومی زندیه تبدیل شد. این پایگاه امن به مدد توپخانه‌ی مجهز آن تا سال ۱۱۶۶ هـ.ق. مقاومت نمود و پس از محاصره‌ای طولانی از سوی ساکنان آن به محمدخان زند و متحدانی که از طوایف زنگنه و کلهر به وی پیوسته بودند، تسلیم شد. محمدخان به‌دلیل هراسی که از فتح قلعه توسط آزادخان افغان داشت، شهر و قلعه را تخریب و با خاک یکسان نمود (موسوی‌اصفهانی، ۱۳۶۳: ۳۳-۳۱؛ گلستانه، ۲۵۳۶: ۲۶۵-۲۶۳ و ۳۰۲). در پی این اتفاق، مردمی که به نواحی جنوبی تردشت کوچانده شده بودند، پایه‌های شهر جدید را بنیان گذارده و توسعه‌ی شهری کرمانشاه امروزی از اواخر زندیه آغاز شد، همین امر سبب شد که نام «قلعه‌کهنه» به «قلعه‌ی نادری» اطلاق شود.



▲ تصویر ۵. استحکامات قندهار در نگاره‌ی تسخیر شهر (http://www.teheran.ir).



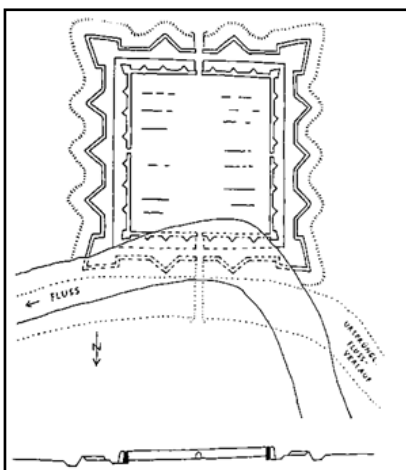
▲ تصویر ۶. استحکامات هرات در نگاره‌ی تسخیر شهر (http://www.teheran.ir).

ساختار معماری

پس از قرن ۱۳ و ۱۴ م. و با اهمیت یافتن تجهیزات نظامی جدید، ساختار معماری قلعه‌ها تغییر کرد. واحد توپخانه، بخش مستقلى از ارتش‌های جهان را تشکیل داد و نقشی تعیین‌کننده در جنگ‌ها داشت. با پیشرفت دولت عثمانی در توپ‌ریزی و تکنیک‌های جدید جنگی، صفویان نیز به استفاده از سلاح گرم روی آورده و در پی مراوداتی که با اروپاییان داشتند، ارتش ایران تجهیز شد و از آن پس، توپخانه نقش مؤثری در تشکیلات نظامی ایران یافت. از آن جایی که قلعه‌های پیشین اغلب بر روی ارتفاعات و با سنگ ساخته می‌شدند، امکان استفاده از توپ را در اختیار نمی‌گذارند و تخریب آن‌ها نیز در وضعیت جدید به سادگی میسر می‌شد، به همین دلیل، در میانه‌ی قرن ۱۵ م. نخستین قلعه‌های موسوم به «قلعه ستاره‌ای» در ایتالیا ساخته شد و پس از آن به مدت سه قرن در نقاط مختلف جهان، به ویژه اروپا به کار گرفته شدند. به منظور اهمیت مکان‌گزینی برای دفاع و لزوم توجه به جای‌گیری توپ و نشانه‌گیری، در ساخت این قلعه‌ها از اصول هندسی پیروی شده است. دیوارهای کوتاه و ضخیمی که اغلب از خشت ساخته می‌شدند و استحکامات سه گوشه از ویژگی‌های شاخص این قلعه‌ها به شمار می‌آید که پوشش بهتر آتش توپخانه را میسر می‌سازد. در قرن ۱۹ م. و با ابداع گلوله‌های آتشین، قلعه‌های ستاره‌ای کاربری چندانی نداشته و ساخت آن‌ها متوقف شد. نمونه‌های ساده‌ی این قلعه‌ها در ایران نیز شناسایی شده که قلعه‌ی پرتغالی‌ها در جزیره‌ی هرمز، قلعه‌ی هلندی‌ها در جزیره‌ی خارک، قلعه‌کهنه‌ی کرمانشاه، قلعه‌ی آستارا، قلعه‌ی اردبیل، قلعه‌ی خوی، قلعه‌ی اهر و قلعه‌ی لنکران در مرز ایران و جمهوری آذربایجان، از آن جمله هستند (Kleiss, 2003: 73-74; Guilmartin, 1980: 167-176).
۱۳۷۸: ۱۲۳-۱۲۰).

قلعه‌کهنه، بنایی مستطیلی به ابعاد ۸۷۰×۶۵۰ متر بوده است و وسعتی بیش از پنجاه هکتار دارد. با توجه به تصاویر هوایی سال‌های ۱۹۳۵ و ۱۹۶۹ م. و با توجه به طرح تهیه شده توسط کلایس، فضای داخلی قلعه، مستطیلی با شش جان‌پناه در هر ضلع و چهار برج در گوشه‌ها بوده است (تصویر ۷). استحکامات خارجی نیز تکرار نقشه‌ی داخلی است، با این تفاوت که در اضلاع طویل‌تر شرق و غرب سه جان‌پناه و در اضلاع کوچک‌تر شمال و جنوب دو جان‌پناه دیده می‌شود. این قلعه دو ورودی در شمال و جنوب داشته است.

ولفرام کلایس این قلعه را نمونه‌ی ساده‌ای از قلعه‌هایی مانند لیلی^{۱۰} و استراسبورگ^{۱۱} می‌داند که در قرن ۱۷ م. توسط مهندس معروف فرانسوی، «سباستین لو پرتردو ووبن»^{۱۲} طراحی و اجرا شده است و ورود دانش ساخت قلعه‌های این‌چنینی را به ژنرال «گاردان» فرانسوی و «سن بگلايتر» آلمانی^{۱۳} نسبت می‌دهد (Kleiss, 1980: 176). این درحالی‌ست که قلعه‌کهنه سال‌ها پیش از ورود مستشاران مذکور و در نیمه‌ی نخست قرن ۱۷ م. ساخته شده است. ژنرال گاردان در اوایل قرن ۱۹ م. به طراحی قلعه‌ی خوی و اردبیل که نقشه‌ای مشابه قلعه‌کهنه دارند، پرداخته و در آموزش نظامی ارتش ایران در عصر قاجاریه مشارکت داشته است (مهريار و

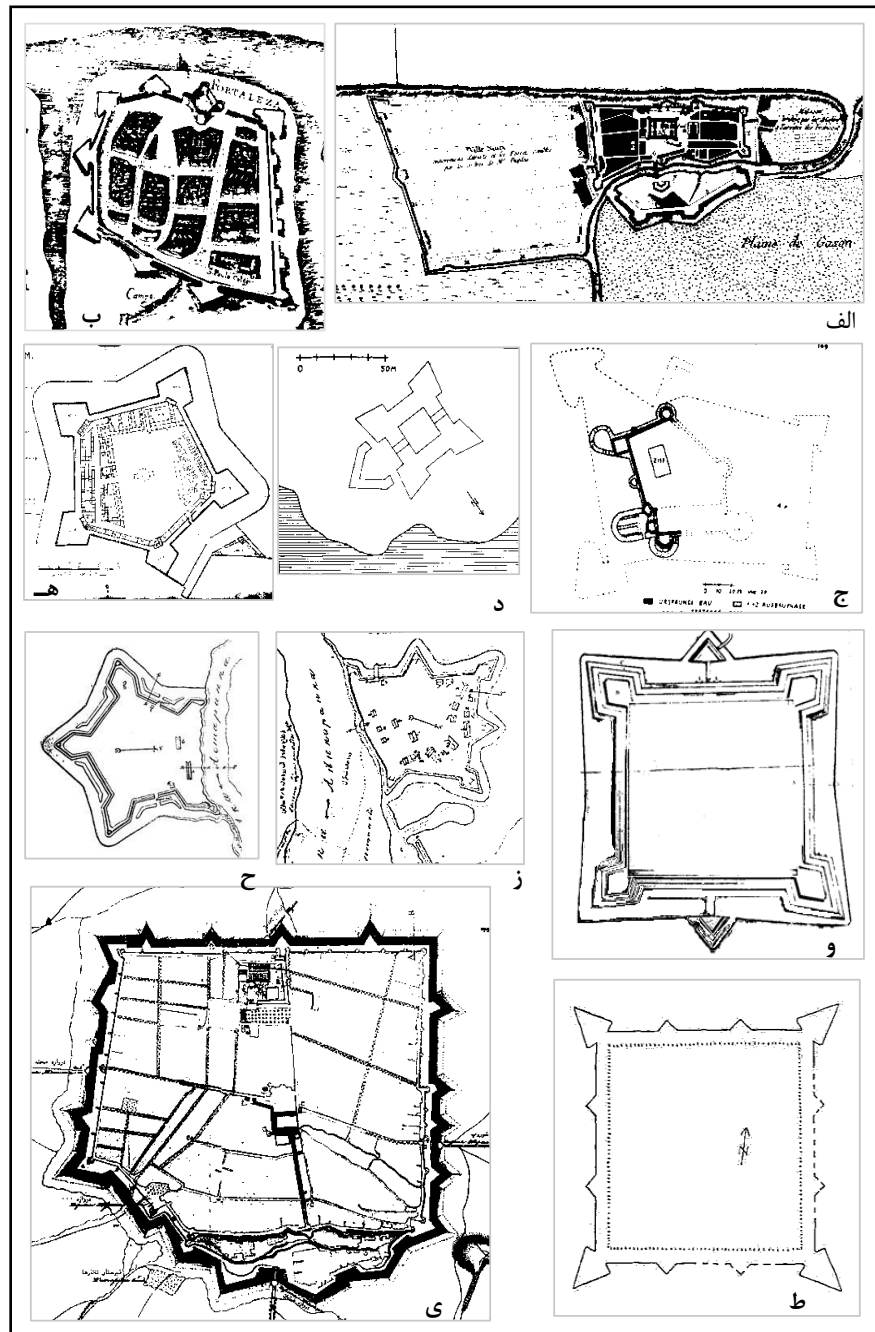


▲ تصویر ۷. طرح قلعه‌کهنه که از روی عکس هوایی اشمیت تهیه شده است (Kleiss, 1980: 177).

همکاران، ۱۳۷۸: ۳۸ و ۴۲)، شایان ذکر است که در عصر قاجار، قلعه‌سازی جزو علم توپخانه به‌شمار می‌آمد و جزئیات آن در دارالفنون و قورخانه‌ی سلطنتی تدریس می‌شد، اما هیچ‌گونه شواهدی پیرامون پیشینه‌ی این فن در دوره‌ی افشاریه وجود ندارد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴: ۴۱). با توجه به گزارشات استرآبادی و مروی، قلعه‌کهنه بین ۱۱۴۲ هـ.ق. / ۱۷۲۹ م. تا ۱۱۵۶ هـ.ق. / ۱۷۴۳ م. ساخته شده است و در این زمان تنها قلعه‌ی پرتغالی‌ها در هرمز ساخته شده بود؛ قلعه‌ی هلندی‌ها به فاصله‌ی اندکی پس از مرگ نادرشاه و قلعه‌های خوی، اهر، آستارا، لنکران و اردبیل که بیشترین شباهت را به قلعه‌کهنه دارند، در عصر قاجار ساخته شده‌اند (جدول ۱). با وجودی که هیچ‌گونه شواهدی از چگونگی طراحی قلعه‌کهنه وجود ندارد، با توجه به حضور اروپاییان در ایران و روابط خارجی نادرشاه، می‌توان طراحی اثر را به اروپاییان نسبت داد؛ علاوه‌بر این، اگر اشاره‌ی مروی به ساخت قلعه در ۱۱۵۶ هـ.ق. دال بر تکمیل استحکامات قلعه باشد، ممکن است مهندسان و هنرمندانی که پس از جنگ کرنال به همراه غنائم بسیار عازم ایران شدند و مأموریت داشتند

جدول ۱. قلعه‌هایی که از نظر پلان با قلعه‌کهنه قابل مقایسه هستند (نگارندگان، ۱۳۹۸). ▼

نام قلعه	زمان ساخت	شکل پلان	توضیحات
قلعه‌ی هرمز	قرن ۱۶ م.	چهارگوشه	این قلعه یکی از مجموعه‌ی آثار پرتغالی‌ها در خلیج فارس و نخستین قلعه‌ی اروپایی ایران است (Kleiss, 1980: 169).
قلعه‌ی خارک	قرن ۱۸ م.	چهارگوشه‌ی منتظم	قلعه‌ی خارک که با نام موسلشتاین نیز شناخته می‌شود توسط هلندی‌ها ساخته شد (Kleiss, 1980: 173).
قلعه‌ی خوی	قرن ۱۹ م.	چهارگوشه	قلعه‌ی خوی در زمینی مسطح با دیوارهای خشتی بنا شده است (مهریار و همکاران، ۱۳۷۸: ۳۸-۳۷).
قلعه‌ی ردبیل	قرن ۱۹ م.	چهارگوشه‌ی منتظم	به موازات رودخانه‌ی بالیخی چای بنا شده و خندق عمیقی دارد (مهریار و همکاران، ۱۳۷۸: ۴۲-۴۴).
قلعه‌ی اهر	قرن ۱۹ م.	چهارگوشه‌ی منتظم	ولفرام کلایس این قلعه را با قلعه‌کهنه مقایسه کرده است (Kleiss, 1982: 390).
قلعه‌ی آستارا	قرن ۱۹ م.	پنج گوشه	این قلعه که به نظر می‌رسد هرگز کامل نشده در کنار رودخانه‌ی آستارا بنا شده و خندق دارد (مهریار و همکاران، ۱۳۷۸: ۶۸).
قلعه‌ی لنکران	قرن ۱۹ م.	پنج گوشه	این قلعه شبیه قلعه‌ی آستارا بوده، در کنار رودخانه بنا شده و خندق داشته است (مهریار و همکاران، ۱۳۷۸: ۶۸).
قلعه‌ی چاول هند	قرن ۱۶ م.	چهارگوشه	این قلعه توسط پرتغالی‌ها برای سکونت و توسعه‌ی تجارت در غرب هند ساخته شد و بارها تجدید بنا گردید (Gerson Da Cunha, 1993: 35-39).
قلعه‌ی جافنا سریلانکا	قرن ۱۷ م.	پنج گوشه	این قلعه توسط پرتغالی‌ها ساخته شد و پس از آن به اشغال هلندی‌ها و انگلیسی‌ها درآمد (www.wdl.org).
قلعه‌ی سنت جورج هند	قرن ۱۷ م.	چهارگوشه	نخستین قلعه‌ی انگلیسی‌ها در هند که مدتی نیز در اشغال فرانسوی‌ها بود (Talboys Wheeler, 1861: 44-45).



► تصویر ۸. الف: قلعه‌ی سنت جورج (<https://www.wikipedia.org>): ب: قلعه‌ی چاول (Kleiss, 1980: 169): ج: قلعه‌ی هرمز (Kleiss, 1980: 173): د: قلعه‌ی خارک (Kleiss, 1980: 173): هـ: قلعه‌ی جافنا (www.atlasofmteualheritage.nl): و: قلعه‌ی اردبیل (مهریار و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۲۱): ز: قلعه‌ی لنکران (مهریار و همکاران، ۱۳۷۸: ۲۴۵): ح: قلعه‌ی آستارا (مهریار و همکاران، ۱۳۷۸: ۲۵۰): ط: قلعه‌ی اهر (Kleiss, 1980: 390): ی: قلعه‌ی خوی (Kleiss, 1980: 390). (174)

که شهر و قلعه احداث کنند، در طراحی استحکامات قلعه‌کهنه و تکمیل ساخت آن دخالت نموده‌اند (مروی، ۱۳۶۴، ج ۳: ۸۸۷). هنگام تصرف هند از سوی نادرشاه، قلعه‌های اروپایی بسیاری در شهرهای هندوستان وجود داشت، که در این میان قلعه‌ی انگلیسی سنت جورج و قلعه‌ی پرتغالی‌ها در چاول با قلعه‌کهنه قابل مقایسه است؛ علاوه بر این قلعه‌ی جافنا^{۱۴} در سریلانکا و شمار بسیاری از قلعه‌های اروپاییان در سراسر دنیا پلان‌های نسبتاً مشابهی دارند (جدول ۱، تصویر ۸). این قلعه‌ها اغلب پایگاه‌های تجاری، اداری و مسکونی بوده و کارکردی متفاوت با قلعه‌کهنه داشتند؛

هرچند بدون دستیابی به مشخصات فضاهای داخلی قلعه، هرگونه اظهار نظر در مورد جزئیات معماری آن منوط به کاوش است؛ اما براساس مدارک موجود می‌توان اظهار کرد که این قلعه، پایگاهی نظامی، محل نگهداری تجهیزات جنگی و جایگاه مخالفان بوده است و با وجود رودخانه‌ی قره‌سو، استفاده از خندق در دفاع از قلعه مطرح می‌شود.

داده‌های باستان‌شناسی

قلعه‌کهنه در دشت وسیع و غنی کرمانشاه و در حاشیه‌ی رود قره‌سو، به فاصله‌ی کمی از تپه‌ها و محوطه‌های باستانی حاشیه‌ی این رود واقع شده است. با توجه به یافتن سرستون و شال‌ستون، وجود بنایی از دوره‌ی ساسانی در محدوده‌ی قلعه گزارش شده است (تصویر ۹). این سرستون به شکل هرم معکوسی از سنگ آهک ساخته شده، آسیب فراوان دیده و بخش‌هایی از آن شکسته است به نحوی که فقط جزئیات دو وجه آن مشهود است. بر سطوح سرستون، نقوش گیاهی به صورت پیچک‌های لوزی‌شکل با گل‌هایی در درون آن دیده می‌شود. شباهت نقوش این اثر با سرستون دیگری که از رودخانه‌ی آبشوران به دست آمده و در دو وجه آن نقوش انسانی دارد، سبب شده که به زمان خسرو دوم ساسانی نسبت داده شود (لوشای، ۱۳۸۵: ۴۰۷؛ مرادی، ۱۳۷۹: ۲۴۶)؛ اما با وجود شباهت‌های مختصری که با سرستون‌های ساسانی یافت شده در بیستون و تاق‌بستان دارد، ممکن است متعلق به صدر اسلام باشد و گاهنگاری متقن آن مقدور نیست.

علاوه بر آثار منتسب به دوره‌ی ساسانی در خردادماه ۱۳۸۷ ه.ش. و طی کشفی اتفاقی، در پی گودبرداری جهت ساخت منزل مسکونی در نزدیکی روستای کهریز کرمانشاه که امروزه بخشی از شهرک گل‌ها است، تعدادی شیء سنگی به دست آمد که ۲۱ شیء به مجموعه‌ی تاق‌بستان منتقل شد. این اشیاء از فضای داخلی قلعه‌کهنه به دست آمده است. بیشتر نمونه‌ها شکل نامنظمی دارد و بر یکی از سطوح آن‌ها حفره‌ای نیم‌کروی با قطری بین ۳۲ تا ۴۴ سانتی‌متر دیده می‌شود؛ عمق حفره در ۱۴ نمونه، ۲۰ سانتی‌متر و در سایر نمونه‌ها بین ۱۷ تا ۲۳ سانتی‌متر است. تعدادی از اشیاء سطوح صاف و صیقلی دارند و با سنگ‌های تراش خورده‌ی ساسانی که در بناهای بسیاری از صدر اسلام تا عصر پهلوی^{۱۵} به کار رفته‌اند، قابل مقایسه هستند و با توجه به سرستون و شالی به دست آمده ممکن است با بنای ساسانی حوالی قلعه مرتبط باشند (تصویر ۱۰). اظهار نظر پیرامون ماهیت و کاربرد این اشیاء با اطلاعات فعلی مقدور نیست و تنها می‌توان فرضیه‌ی کاربرد این اشیاء در فنون ساخت تجهیزات جنگی، چون ساخت گلوله یا کوبیدن شوره^{۱۶} برای تهیه‌ی باروت را مطرح ساخت (دهقان، ۱۳۹۱: ۳۷۷-۳۵۴). شایان ذکر است که تهیه‌ی باروت به شیوه‌ی سنتی تا دهه‌های اخیر در برخی روستاهای کرمانشاه رایج بوده است؛ علاوه بر این شواهد بسیاری از کاربرد هاون‌های سنگی در ابعاد مختلف از محوطه‌های باستانی سراسر دنیا گزارش شده است.



▲ تصویر ۹. طرح و تصویر سرستون به دست آمده از قلعه‌کهنه (دهقان، ۱۳۹۱: ۱۷۱ و ۱۷۳).



▲ تصویر ۱۰. الف: تصویر اشیاء در محل کشف، پیش از انتقال به مجموعه (تصویر از آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه، ۱۳۸۷)؛ ب: نمونه‌ای از اشیاء سنگی به دست آمده از قلعه کهنه (دهقان، ۱۳۹۱: ۳۷۶ و ۳۷۹).



نتیجه‌گیری

شهر کرمانشاه که به دلیل قابلیت‌های زیست‌محیطی و قرارگیری بر مسیرهای طبیعی، همواره مورد توجه جوامع انسانی بوده، پس از عصر صفوی و در پی جنگ‌های ایران و عثمانی، به دلیل قدرت یافتن خاندان زنگنه، موقعیت جغرافیایی و نزدیکی به مرزهای غربی، اهمیت یافت. این شهر در عصر نادرشاه به پایگاه نظامی غرب ایران و محل توپخانه‌ی نادری تبدیل شد. پس از آن و به منظور تقویت جایگاه نظامی کرمانشاه، و به دستور نادرشاه، قلعه‌ای به وسعت بیش از ۵ هکتار در حاشیه‌ی رود قره‌سو ساخته شد، این قلعه که در دشت کرمانشاه و بر سر شاهراه خراسان-بغداد و راه‌هایی که به اورامانات و کردستان می‌رود، قرار گرفته است، با نقشه‌ی ستاره‌ای و شبیه قلعه‌های قرون ۱۵ تا ۱۹ م. ساخته شده و اهمیت واحد توپخانه‌ی جبهه‌ی غرب را تأیید می‌کند. کارکرد تسلیحاتی و دفاعی این قلعه با توجه به نوع نقشه، استحکامات و شواهد تاریخی مسلم است. نادرشاه با هدف تثبیت مرزها و به منظور تأمین تسلیحات لازم برای مقابله با عثمانی به تأسیس قلعه پرداخته است. مدارک و متون تاریخی، اطلاعات مختصری از جایگاه قلعه در عصر افشاریه در اختیار می‌گذارند و بیشتر به کارکرد قلعه به عنوان جایگاه مخالفان در زمان تشکیل دولت زندیه پرداخته‌اند، حضور طولانی مخالفان در قلعه، کارکرد مسکونی آن را نشان می‌دهد؛ موضوعی که تفصیل آن منوط به شناسایی اجزاء معماری درون قلعه است. با توجه به شواهد موجود به نظر می‌رسد که قلعه کهنه نه به عنوان پایگاه نظامی، بلکه انبار تسلیحاتی بوده و هرگز اهمیتی درخور وسعت و استحکامات خود نیافته است؛ به همین علت و درحالی‌که می‌توانست در اعصار بعد نیز مورد استفاده قرار گیرد، به شدت ویران شد و امروزه نیز با رشد و توسعه‌ی شهری، آثار مشخصی از آن باقی نمانده است. موضوع قابل ملاحظه‌ی دیگری که با توجه به حضور طوایف خراسانی در کرمانشاه عصر نادرشاه، و چالش‌های میان عناصر بومی و غیربومی در رخداد‌های پس از وی مطرح می‌شود، کارکرد مسکونی قلعه برای جمعیت غیربومی است؛ موضوعی که درباره‌ی تمامی قلعه‌های اروپایی ساخته شده در مستعمرات صدق می‌کند و ممکن است نادر به عنوان راهکاری پیشگیرانه در دفع قدرت خاندان زنگنه به تأسیس قلعه پرداخته باشد.

سپاسگزاری

از آقای مرادی بیستونی به خاطر در اختیار گذاردن تصویر اشیاء سنگی و از خانم کمالی زاد برای راهنمایی‌هایشان سپاسگزاریم.

پی‌نوشت‌ها

۱. موقعیت راهبردی یا استراتژیک، موقعیتی است که در تقابل با رقبا یا دشمنان، مزایای قاطع نظامی، سیاسی یا اقتصادی به دارنده اعطا می‌کند؛ این موقعیت اغلب با بهره‌مندی از منابع آب و انرژی و تولید همراه است (Dikshit, 2000: 33).

۲. معاهده‌ی ذهاب در سال ۱۰۴۹ ه.ق. میان دولت ایران و عثمانی منعقد و پس از آن به مدت یک قرن، صلح پایداری برقرار شد. با وجود تغییرات پدید آمده در ساختار سیاسی ایران و عثمانی و شکل‌گیری کشور عراق، این معاهده تا امروز نیز پایه‌های اصلی روابط مرزی دو کشور را تشکیل می‌دهد (نویسی، ۱۳۶۰: ۴۲-۳۱).

۳. بررسی رخدادهای جنگ تحمیلی و دامنه‌ی نفوذ نیروهای عراق و منافقین نیز این موضوع را تأیید می‌کند.

4. St. George

5. Chaul

۶. «پیچان رود» یا «مئاندر» به پیچ‌وخم‌های بستر رودخانه گفته می‌شود که در مورد بیشتر رودهایی که در دشت جریان دارند، اتفاق می‌افتد. قره‌سو به دلیل خصوصیات رسوب‌شناسی، دینامیک ویژه و روند گسل آن، پیچان‌رودهای بسیاری دارد (یمانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۰-۱۳۹).

۷. «امیر شرف‌خان بدلیسی» نفوذ این خاندان را به عصر شاه اسماعیل نسبت می‌دهد. به نظر می‌رسد که این نفوذ پیش از شاه عباس، به صورت قرارگیری این ایل در نیروی نظامی صفویان آغاز و پس از آن به راهیابی در دستگاه حکومت و وصول مراتب عالی منجر شده است (بدلیسی، ۱۳۶۴: ۴۳۱-۴۳۰).

۸. «حسن پاشا به محض شنیدن آوازه‌ی نهضت رایب منصور، توپخانه و قورخانه‌ی خود را ریخته بجانب بغداد گریخت. حسین قلی خان بدون نزاع و منازعه قلعه را به حیطة‌ی ضبط درآورد. چون تمشیت کار آذربایجان مکنون ضمیر خورشید لمعان بود، بعد از استماع این خبر از اسدآباد همدان صرف زمام عزیمت کرده، کس فرستاده که در کرمانشاهان بنای قلعه‌ی جدید گذاشته، و از جانب زنگنه و کلهر آنچه جوانان کارآمد باشد ملازم، و امور ولایت را منظم ساخته، شهر و قلعه قدیم را خراب سازند» (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۱۲۲).

۹. «فی‌الفور ارقامات به اطراف بلاد ایران قلمی فرمود، که اسباب مایحتاج بسیار از ملبوس و دواب به رکاب ظفر انتساب حاضر ساختند. و چند بومی در نواحی کرمانشاه توقف و در آن حدود طرح قلعه‌ی عظیمی افکند، که اسباب قورخانه و جی‌خانه و اسباب و آلات حرب که هرگاه در نواحی روم احتیاج افتد، اجناس مذکوره را از آن نواحی حمل و نقل اردوی ظفر شکوه نمایند» (مروی، ۱۳۶۴: ج ۳: ۸۸۷).

10. Lille

11. Strasbourg

12. Sébastien Le Prestre de Vauban

۱۳. «سن بگلایتیر» (Seine Begleiter) از سیاست‌مداران آلمانی است که در اوایل قرن ۱۹ م. به ایران، عمان، قطر و سایر نواحی جنوبی سفر کرده و گویا مرادده‌ای با ابوالحسن خان ایلچی داشته است (Rasekh, 2000: 71).

14. Jaffna

۱۵. بسیاری از بناها، به ویژه در دشت بیستون که به کارگاه‌های تراش سنگ عصر ساسانی نزدیک‌تر است با مصالح این دوره ساخته شده‌اند؛ کاروانسرای بیستون از عصر صفوی و پل چهر هرسین از عصر پهلوی نمونه‌هایی از این آثار هستند.

۱۶. شوره یا نیترات پتاسیم (KNO₃) ماده‌ی اصلی ساخت باروت است که در زیر دنک باروت‌کوبی ریخته و به منظور تهیه‌ی باروت می‌کوبیدند (تبریزی، ۱۲۵۷: ق. ۱: برگ ۱۰).

کتابنامه

- آوری، پیتر، ۱۳۷۰، تاریخ معاصر ایران. ترجمه‌ی محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: عطایی.
- ابن‌اثیر، ۱۳۶۵، اخبار ایران از الکامل ابن‌اثیر. ترجمه‌ی محمدابراهیم باستانی‌پاریزی، تهران: دنیای کتاب.
- ابن‌حوقل، ۱۳۶۶، سفرنامه‌ی ابن‌حوقل (ایران در صورۃ‌الارض). ترجمه و توضیح: جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- ابن‌خردادبه، ۱۳۷۰، المسالک و الممالک. ترجمه‌ی حسین قره‌چانلو، تهران: مترجم.

- ابن‌رسته، ۱۳۶۵، الاعلاق النفیسه. ترجمه‌ی حسین قره‌چانلو، تهران: امیرکبیر.
- استرآبادی، میرزا مهدی، ۱۳۷۷، جهانگشای نادری. تصحیح: سید عبد... انوار، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اشمیت، اریک فردریش، ۱۳۷۶، پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران. ترجمه‌ی آرمان شیشه‌گر، تهران: اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ادیب برومند، عبدالعلی، ۱۳۵۷، «معرفی یک نسخه‌ی مصور، تاریخ جهانگشای نادری». هنر و مردم، شماره‌ی ۱۸۸، صص: ۴۵-۴۰.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، ۱۳۷۴، المآثر والآثار. تصحیح: ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- بدلیسی، امیرشرف‌خان، ۱۳۶۴، شرف‌نامه، تصحیح: ح محمد عباسی، تهران: مؤسسه‌ی مطبوعاتی علمی.
- برومندسرخابی، هدایت...، ۱۳۸۸، در جستجوی هویت شهری کرمانشاه. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- تبریزی، محمدباقر، ۱۲۵۷، رساله‌ی قورخانه. نسخه‌ی خطی محفوظ در سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران، شماره‌ی بازیابی ۸۱۴۱۲۱.
- تهرانی، محمدشفیع، ۱۳۶۹، تاریخ نادرشاهی. به اهتمام: رضا شعبانی، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- حسینی استرآبادی، سید حسن بن مرتضی، ۱۳۶۲، تاریخ سلطانی: از شیخ صفی تاشاه صفی. به کوشش: احسان اشراقی، تهران: انتشارات علمی.
- خوافی، شهاب‌الدین عبد... (حافظ ابرو)، ۱۳۷۸، جغرافیای حافظ ابرو. تصحیح و تحقیق: صادق سجادی، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.
- دهقان، مریم، ۱۳۹۱، «گزارش مطالعه و مستندسازی سرستون‌ها و اشیاء موزه‌ی سنگ محوطه‌ی تاق‌بستان». اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمانشاه (منتشر نشده).
- ذکاء، یحیی، ۱۳۵۵، ارتش شاهنشاهی ایران از کوروش هخامنشی تا پهلوی. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- سازمان آب منطقه‌ای غرب، ۱۳۸۲، «مطالعات مرحله‌ی دوم طرح ساماندهی رودخانه‌ی قره‌سو در محدوده‌ی شهر کرمانشاه». گزارش مطالعات هیدرولوژی، جلد ۲ (منتشر نشده).
- سلطانی، محمدعلی، ۱۳۷۲، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان (ایلات و طوایف کرمانشاهان). با مقدمه‌ی عبدالحسن نوایی، جلد ۲، تهران: مؤلف.
- شعبانی، رضا، ۱۳۶۹، تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه. تهران: مؤسسه انتشارات نوین.
- کرزن، جورج ناتانیل، ۱۳۸۰، ایران و قضیه‌ی ایران. ترجمه‌ی غلامعلی وحید مازندرانی، جلد ۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- کندوله‌ای، الماس‌خان، ۱۳۹۶، جنگنامه‌ی نادر. تصحیح: مظهر ادوای، تهران: انتشارات ققنوس.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن الضحاک بن محمود، ۱۳۴۷، زین الاخبار. مقابله و تصحیح و تحشیه و تعلیق: عبدالحی حبیبی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- گلستانه، ابوالحسن بن محمد امین، ۲۵۳۶، مجمل التواریخ. به سعی و اهتمام: مدرس رضوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لکه‌هارت، لارنس، ۱۳۴۳، انقراض صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران. ترجمه‌ی مصطفی قلی عماد، تهران: بی‌نا.
- لوشای، هاینس، ۱۳۸۵، «محوطه‌های باستانی همجوار بیستون». در: بیستون، کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۶۷-۱۹۶۳، به‌کوشش: ولفرام کلایس و پتر کالمایر، ترجمه‌ی فرامرز نجد سمیعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی، معاونت فرهنگی و ارتباطات، اداره کل امور فرهنگی، صص: ۴۰۹-۴۰۳.
- مرادی، یوسف، ۱۳۷۹، «تزیینات معماری دوره‌ی ساسانی و اهمیت آن در تعیین کارکرد و تاریخ بناها». پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد در رشته‌ی باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.
- مروی، محمدکاظم، ۱۳۶۴، عالم‌آرای نادری. تصحیح: محمدامین ریاحی، جلد‌های ۱ و ۳، تهران: کتاب‌فروشی زوار.
- مستوفی قزوینی، حمدا...، ۱۳۶۲، نزهة القلوب. ترجمه‌ی گای لسترنج، تهران: دنیای کتاب.
- مقدسی، ابوعبدا... محمد بن احمد، ۱۳۶۱، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم. ترجمه‌ی علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- منجم، جلال‌الدین، ۱۳۶۶، تاریخ عباسی یا روزنامه‌ی ملاجلال. به‌کوشش: سیف‌ا... وحیدنیا، تهران: انتشارات وحید.
- موسوی اصفهانی (نامی)، محمدصادق، ۱۳۶۳، تاریخ گیتی‌گشا در تاریخ زندیه. تصحیح: سعید نفیسی، تهران: اقبال.
- مهریار، محمد؛ فتح‌اله‌یف، شامیل؛ فخار تهرانی، فرهاد؛ و قدیری، بهرام، ۱۳۷۸، اسناد تصویری شهرهای ایران: دوره‌ی قاجاریه. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مهمید، محمدعلی، ۱۳۶۱، تاریخ دیپلماسی ایران. تهران: میترا.
- نوایی، عبدالحسین، ۱۳۶۸، نادرشاه و بازماندگانش. تهران: زرین.
- نوایی، عبدالحسین، ۱۳۶۰، اسناد مکاتبات سیاسی ایران از سال ۱۰۳۸ تا ۱۱۰۵ هجری قمری. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- واله، محمدیوسف، ۱۳۷۲، خلد برین، ایران در روزگار صفویان. به‌کوشش: میرهاشم محدث، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- ویسی قلعه‌گلینه، فریبرز؛ و قنبری، آرش، ۱۳۹۲، «نقش کرمانشاهان در تحولات سیاسی و نظامی دوره‌ی نادرشاه»، مجله‌ی تاریخ‌نامه‌ی خوارزمی، سال اول، شماره‌ی ۲، صص: ۱۰۵-۱۲۸.

- یمان‌ی، مجتبی؛ علایی طالقانی؛ محمود؛ و شهبازی، صبریه، ۱۳۹۰، «مورفوتکتونیک و تأثیر آن بر تغییرات بستر و الگوی رودخانه‌ی قره‌سو»، مجله‌ی جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، شماره ۱۷، صص: ۱۴۳-۱۲۵.

- Dikshit, R. D., 2000, *Political Geography*. New Delhi: Tata Mcgraw-Hill Publishing company Limited.

- Gerson Da Cunha, J., 1993, *Notes on the History and Antiquities of Chaul and Bassein*. New Delhi: Asian Educational Services.

- Guilmartin, J. F., 2003, *Gunpowder and galleys: changing technology & Mediterranean warfare at sea in the 16th century*. London: Conway Maritime Press.

- Kleiss, W., 1980, "Europäische Befestigungarchitektur In Iran, Vol 16. Bis Zum 19. Jahrhundert". *AMI* 13: 167-178.

- Kleiss, W., 1982, "Eine Bastionsfestung Südlich Ahar In Ost-Aerbaidjan". *AMI* 15: 389-391.

- Rasekh, K., 2000, *Das Politische Denken Der Reformisten Im Iran 1811-1906: Eine Untersuchung Über Das Politische Denken Der Iranischen Intellektuellen*. Annapolis: Naval Institute Press.

- Talboys Wheeler, J., 1993, *Madras in the Olden Time*. New Delhi: Asian Educational Services.